

عزت نفس و خلاقیت بین دانش آموزان دختر و پسر مدارس ایران در دوران کرونا

سمیه فلاح تفتی^۱

ایمان رعیت شوازی^۲

قاسم دشت آبادی^۳

مریم رضایی صدر آبادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

چکیده

موضوع پژوهش، عزت نفس و خلاقیت بین دانش آموزان دختر و پسرمدارس ایران در دوران کرونا می باشد. جذابیت فعالیت های فرهنگی و هنری در مدارس و ایجاد فضای صمیمی ناشی از آن بر عهده مدیریت و مجموعه کادر مدرسه می باشد. چرخه فرهنگی در تقابل با فعالیت های دیگر می تواند ریشه های قوی درخت علم و دانش را آبیاری نماید. روش پژوهش، مروری کتابخانه ای می باشد. نتیجه: خلاقیت چیزی بیش از یک خصوصیت شناختی یا شخصیتی است که افراد ممکن است در آن تغییر کنند بلکه فعالیتی است که در طول حیات انسان توسعه و تکامل پیدا می کند. پژوهشگران روانشناسی تحولی خلاقیت به دو جنبه این تبدیل طولی توجه کرده اند. بسیاری از مطالعات در هریک از این دو مقوله بر رشد افرادی تمرکز کرده اند که بر پیشرفتهای خلاق خود تمجید و تحسین شده اند گرچه تحقیقات در زمینه بروز انواع رفتار خلاق روزمره نیز کمبودی ندارد.

واژگان کلیدی

عزت نفس، خلاقیت، مدارس، دانش آموزان

^۱ دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، آموزگار مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک یزد، مدرس دانشگاه فرهنگیان یزد.

(Sfalah12@ymail.com)

^۲ کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک یزد. (iman.74ra@gmail.com)

^۳ کارشناسی ارشد مشاوره، معاون آموزشی مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک یزد، مشاور آموزشی و درمانی فرهنگیان

یزد. (dashtq@gmail.com)

^۴ کارشناسی علوم حوزوی، آموزگار مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک یزد. (Maryam.r13582s@gmail.com)

مقدمه

دانش آموزان به عنوان قشر آسیب پذیر جامعه در چالش هایی گرفتار می شوند که گاهی به خودشان مرتبط نیست. این چالش ها از سوی خانواده و جامعه به ایشان منتقل شده و آینده آنها را تحت الشعاع قرار می دهد.

تربیت بهینه نسل جدید، مرهون تعامل و مشارکت جامع خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اساسی تربیتی است. مدارس، بدون مشارکت والدین نمیتوانند آن گونه که باید در تربیت دانش آموزان موفق باشند و این نیاز اجتناب ناپذیر از وجه دیگر برای خانواده نیز مصداق دارد (محمد میرکمالی؛ ۱۳۷۸).

مشارکت خانه و مدرسه و آگاهی هایی که متعاقب این همکاری برای والدین و مدرسه ایجادخواهدشد برای آموزش و تربیت فرزندان مهم بوده، همچنین همکاری یادشده، موجبات پیشگیری نابهنجاری های جامعه را فراهم خواهد ساخت. مشارکت خانه و مدرسه، موجب آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت آموزشی، تربیتی و... دانش آموزان می شود که در برنامه ریزی های مختلف مدرسه این داده ها ذی قیمت خواهند بود؛ به علاوه، والدین نیز از بسیاری جنبه های آموزشی، پرورشی و انضباطی فرزندان خود مطلع خواهند شد (یدالله جهانگرد؛ ۱۳۷۵).

فعالیت های فرهنگی و هنری به مجموعه ای از فعالیت ها گفته می شود که توسط معاونین و مربیان پرورشی و هنری در مدارس و طبق بخشنامه های ارسالی از سوی اداره آموزش و پرورش و نهادهای ذیربط به ایشان ابلاغ می گردد. این فعالیت های دارای مدت زمان محدود و ارزش و اهمیت بالایی می باشد.

در ادامه به نظر می رسد فعالیت های فرهنگی و هنری می تواند به آموزش و پرورش دانش آموزان کمک نموده و آموزگاران را در تشکیل کلاس های شاد و خلاق همراهی نماید. چه بسا که اگر این فعالیت ها به عنوان منابع اصلی مدارس در نظر گرفته شود، شاید برخی مشکلات ناشی از اجتماع (از خانواده تا جامعه) و همچنین علمی و تربیتی دانش آموزان برطرف گردد. جذابیت فعالیت های فرهنگی و هنری در مدارس و ایجاد فضای صمیمی ناشی از آن بر عهده مدیریت و مجموعه کادر مدرسه می باشد. چرخه فرهنگی در تقابل با فعالیت های دیگر می تواند ریشه های قوی درخت علم و دانش را آبیاری نماید. خلاقیت در ارائه فعالیت مورد نظر می تواند باعث علاقمندی در مخاطب شده و ارتباط تنگاتنگی با ایشان ایجاد نماید، چرا که دانش آموزان در طول روز با آموزگار خود در ارتباط بیشتری هستند.

بنا به اعتقاد بسیاری از متخصصان عزت نفس را می توان ازجمله علل مشکلات رفتاری شایع در میان کودکان و نوجوانان سراسر جهان دانست. بهترین راه برای بیشتر کردن انگیزش افراد اینست که عزت نفس آنها را افزایش دهیم. معلمان، کارفرمایان و مربیان همواره می گویند که راه بهترین راه برای با انگیزش کردن دانش آموزان، کارکنان و ورزشکاران بالا بردن عزت نفس آنهاست. بالا بردن عزت نفس اقدام پسندیده ای است و احمقانه است اگر کسی با اینکار مخالفت کند. اما مسئله تقویت کردن عزت نفس نوعی مداخله انگیزشی است که تقریباً هیچ یافته ای وجود ندارد که نشان دهد عزت نفس اصلاً چیزی را به وجود می آورد بلکه عزت نفس توسط مجموعه ی موفقیتها و شکستها به

وجود می آید... آنچه باید بهبود یابد عزت نفس نیست بلکه مهارت‌های ما برای برخورد با دنیا است (سلیکمن، نقل شده در آزار، ۱۹۹۴).

در همین رابطه دو پژوهشگر نتیجه گرفتند که عزت نفس عمدتاً حاصل موفقیت‌ها و شکست‌های مربوط به پیشرفت است که تأثیری مهمی بر پیشرفت بعدی ندارد، (هلمک و ون آکن، ۱۹۹۵). پس نکته مهم در این دو نقل قول جهت علیتی بین عزت نفس و پیشرفت / خلاقیت است. (ریو/سید محمدی، ۱۳۸۲).

افزایش عزت نفس موجب افزایش پیشرفت نمی شود بلکه افزایش پیشرفت موجب می شود که عزت نفس بیشتر می شود و از آنجائیکه بسیاری از افراد خلاق به دلیل بی بهره بودن از اعتماد به نفس کافی قادر به ابراز تفکرات نو و ابداعات تازه خویش نیستند و برخی از با استعدادترین و سرآمدترین دانش آموزان خود را با دیدی کاملاً منفی ارزیابی کرده بودند و نمی توانند تخیلات خود را به زبان آورند؛ هدف ما در این پژوهش بررسی رابطه عزت نفس^۱ و خلاقیت در دانش آموزان دختر و پسر است و بررسی راهکارهایی است تا با افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان با هوش زمینه های خلاقیت را در آنها به وجود آوریم.

بیان مساله

مسئله اساسی در آموزش یک دانش آموز ارائه برنامه های فرهنگی و آموزشی ویژه یک سال تحصیلی است که پس از آن بتواند در زندگی، کسب و کار، معیشت و اقتصاد خود از آن بهره مفید ببرد؛ بنابراین ممانعت و عدم توجه به حضور دانش آموز در فعالیتهای فرهنگی و هنری مدرسه می تواند ایشان را از حضور مفید و مثرتر در جامعه باز دارد. در عصر کنونی برای تربیت نسلی تازه که بتواند اهداف توسعه‌ای کشور را تحقق بخشد، نیاز به استفاده از تمام ظرفیتهای فرصتها و امکانات موجود احساس می شود. نهادهای مشارکتی همچون انجمن اولیا و مربیان با اهدافی چون ایجاد پیوند و همکاری بین اولیای دانش‌آموزان و مربیان مدرسه، مشارکت داوطلبانه اولیای دانش‌آموزان در امور مدرسه، ایجاد زمینه همکاری نهادهای جامعه در جهت پیشبرد اهداف مدرسه توسط والدین و ... در شکل مطلوب و آرمانی آن می تواند ترکیبی موزون از قابلیت های خانه و مدرسه را گرد هم آورد و آن را صرف ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی کودکان و نوجوانان کند.

در پنجاه سال اخیر، در جوامع غربی نیز به مشارکت والدین به عنوان روشی برای افزایش موفقیت دانش آموزان توجه شده است. تربیت بهینه نسل جدید، مرهون تعامل و مشارکت خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اساسی تربیتی است. مدارس، بدون مشارکت والدین نمیتوانند آنگونه که باید، در تربیت دانش آموزان موفق باشند و این نیاز اجتناب ناپذیر از وجه دیگر برای خانواده نیز مصداق دارد (میرکمالی، ۱۳۹۷).

¹ - Self- esteem

مشارکت خانه و مدرسه و آگاهی هایی که متعاقب این همکاری برای والدین و مدرسه ایجاد خواهد شد برای آموزش و تربیت فرزندان مهم بوده است. همچنین همکاری یاد شده، موجبات پیشگیری از ناهنجاری های جامعه را فراهم خواهد ساخت.

مشارکت خانه و مدرسه، موجب آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت آموزشی، تربیتی و ... دانش آموزان می شود که در برنامه ریزیهای مختلف مدرسه این داده ها ذیقیمت خواهند بود. به علاوه، والدین نیز از بسیاری جنبه های آموزشی، پرورشی و انضباطی فرزندان خود مطلع خواهند شد (جهانگیری، ۱۳۷۵).

بنابراین، منافع حاصل از تقویت کارکرد انجمن که به معنای درگیر شدن جدی تر، فعالانه تر و رغبت مندانه تر اولیا و مربیان مطابق اهداف تعیین شده در اساسنامه انجمن است، در چند سطح نصیب جامعه میشود. در سطح دانش آموزان بر موفقیت تحصیلی آنان نگرش مثبت به مدرسه، اعتماد به نفس تحصیلی، افزایش آرمان های آموزشی و شغلی و کاهش مشکلات رفتاری تأثیر بسزایی دارد. در سطح اولیا، مشارکت والدین در امور مدرسه باعث می شود که والدین در نحوه انجام دادن تکالیف مدرسه به فرزندانشان موفق عمل کنند و از آنچه معلمان انجام می دهند، آگاه شوند؛ نسبت به معلمان و مدرسه فرزند خود نگرش مثبت داشته باشند، احساس مفید بودن کنند و بدانند که چگونه در جهت موفقیت فرزندانشان در مدرسه فعالیت داشته باشند. همچنین در سطح مدرسه و نظام آموزش پرورش، افزایش کارایی و بهره‌وری، اجرای کاملتر برنامه‌ها، کاهش هزینه‌های مادی و معنوی از نتایج ارزشمند کارآمدتر کردن انجمنهای اولیا و مربیان است. به نظر دسیمون (۱۹۹۲)، اگر خانواده ها متوجه شوند که چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری فرزندان اثر گذار است، به برنامه هایی برای رشد بهتر فرزندان خویش می‌اندیشند و راهکارهایی را برمیگزینند تا از طریق ارتباط خانواده با مدرسه، آموزگار درک بهتری از شاگرد پیدا کند و در نتیجه، احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد. از طرف دیگر، دانش‌آموز هم انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا میکند که این امر خود میتواند منجر به افزایش یادگیری شود (بهبودی، ۱۳۸۷).

محققین معتقدند همه انسانها در کودکی از استعداد خلاق برخوردارند ولیکن فقدان محیط مناسب و بی توجهی و عدم تقویت این توانایی مانع ظهور آن می گردد. برای هر جامعه ای وجود افراد خلاق ضروری است زیرا جوامع در دوره انتقال و تغییر نیاز مبرمی به راههای خلاق برای مسائل حاد و آینده خود دارند (حسینی، ۱۳۷۶). بررسی هدفهای آموزش و پرورش در سطح جهان و ایران نشانگر آنست که برای مقابله مناسب با مسائل فردی و اجتماعی پیچیده نیاز به پرورش افرادی داریم که با اتکاء به نیروی اراده و تعقل خود منطقی و خلاق بیاندیشد (همان منبع).

با نگاهی به تاریخ گذشته در می یابیم که جهان ما به دست افراد معدودی که در تفکر خود جهش های خلاق داشته اند تغییرات بنیادی پیدا کرده است. کالیه، داروین و اینشتین در درک دنیایی که در آن زندگی می کنیم نقش بسیار ارزنده ای ایفا کرده اند اختراعات نیز نشانگر همین نکته اند. ماشین بخار، تلفن، کامپیوتر و هزاران اختراع دیگر که وجود آنها برای ما عادی شده است بدست کسانی طراحی و ساخته شده اند که ما آنها را خلاق می نامیم. در عالم هنر نیز طی قرن‌ها

کتابها، شعرها، تابلوهای نقاشی، مجسمه ها و ... که جهان ما را غنی کرده اند بوسیله افراد خلاق به وجود آمده اند (شکلتون و فلچر، ترجمه کریمی و جمهری، ۱۳۷۱).

در گستره موضوع خلاقیت مسئله کشف و شناسایی افراد خلاق و عوامل موثر بر خلاقیت از ماهیت ویژه ای برخوردار است زیرا شناخت زود هنگام این افراد آموزش و پرورش درست و به موقع استعدادهای آنان می تواند بزرگترین قدم در راه پیشرفت کشور باشد تاکنون به منظور شناسایی افراد خلاق تلاش های بسیاری صورت گرفته است. رویکرد روانسنجی در ابتدا کوشش کرد با استفاده از شیوه های شبیه به شیوه های سنجش هوش به اندازه گیری خلاقیت می پردازد ولی آزمونهای هوش نتوانستند افراد توانا در تفکر واگرا یعنی افراد چیره دست در ارائه اندیشه های نو و ابتکاری را شناسایی کند. لذا مطالعات بعدی در دو جهت متفاوت پی ریزی شد گروهی از محققین به شناسایی عوامل موثر بر خلاقیت پرداختند و گروهی دیگر به تهیه آزمونهای خاصی برای سنجش خلاقیت. در این مطالعات فرض اساسی این بود که در خلاقیت توانایی ذهنی ویژه ای دخالت دارند بنابراین اکثر آزمونهای ساخته شده به سنجش تواناییهای می پرداختند که در تفکر خلاق اهمیت دارند. یافته های این محققین اولین قدم در جهت مطالعه تجربی خلاقیت بود. (افروز، ۱۳۷۲).

از آنجائیکه بسیاری از افراد خلاق و مبتکر به دلیل بی بهره بودن از اعتماد به نفس کافی قادر به ابراز تفکرات نو و ابداعات تازه خویش نیستند و نمی توانند تخیلات خود را بر زبان آورن، برخورداری از اراده و اعتماد به نفس قوی، قدرت تصمیم گیری و ابتکار، خلاقیت و سلامت فکر و بهداشت روانی ارتباط مستقیمی با میزان عزت نفس و احساس خود ارزشمندی فرد دارد. امروزه در درمان بسیاری از اختلالات شخصیتی و رفتاری کودکان و نوجوانان مانند کم رویی و گوشه گیری، ناسازگاری و پرخاشگری، تنبلی و کندروی به عنوان اولین گام به ارزیابی و پرورش احساس عزت نفس، تقویت اعتقاد به نفس و مهارتهای فردی و اجتماعی آنان می پردازد. برای اینکه کودکان و نوجوانان بتوانند از حداکثر توانمندیهای بالقوه خود برخوردار شوند می بایست از نگرش مثبت نسبت به خود در محیط اطراف و انگیزه های قوی برای تلاش و کوشش بهره مند شوند بی شک نوجوانانی که دارای عزت نفس قابل توجهی هستند نسبت به همسالان خود در شرایط مشابه پیشرفت تحصیلی و کارایی بیشتری از خود نشان می دهند. همچنین از بارزترین ویژگیهای صاحبان «تفکر واگرا» و افراد خلاق «داشتن اعتماد به نفس» و «عزت نفس» بسیار بالاست لذا پرورش عزت نفس در کودکان و نوجوانان از مهمترین وظایف اولیاء و مربیان می باشد که در این ارتباط بیشترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است (افروز، ۱۳۷۷).

تبادل در عزت نفس در صورتیکه سایر شرایط موجود باشد باعث می شود که فرد به فعل درآوردن استعدادهای بالقوه خود از آن جمله خلاقیت باشد. زمانیکه درجه اعتماد و پذیرش خود در او کاهش یابد یاس و نومیدی ناشی از آن در جریان به فعالیت رسیدن قوای خلاقه اختلال و آشفتگی ایجاد می کند یکی از معضلات جامعه ما اینست که افراد خلاق و مبتکر به دلیل بی بهره بودن از اعتماد به نفس کافی به ابراز تفکرات نو ابداعات تازه خویش اعتراض کنند در حالیکه

افراد خلاق و نوآور در پی جلب توجه این و آن نیستند و اتفاقاً در بسیاری از مواقع در مورد استهزای عمل دیگران هم قرار می گیرند از میان مجموعه ویژگیهای افراد خلاق به دو صفت می توان برخورد کرد که تمام محققان و کارشناسان که سالها در این زمینه کار کرده اند به خصوص کیلفورد و دیگران بر آنها تأکید داشتند یکی برخورداری از قوه تخیل قوی در دوران کودکی و دیگری داشتن اعتماد به نفس قوی در نوجوانی و جوانی. سپس هرگاه بتوانیم این دو صفت را در کودکان و نوجوانان با هوش خود پردازیم زمینه خلاقیت در آنان به وجود می آید (افروز، ۱۳۷۱).

برخی از مطالعات نشان داده اند که چون عزت نفس بالا در برخی از ویژگیهای رفتاری و همچنین با رضامندی شخص و فعالیت کارآمد همراه است برای انسان مهم می باشد و چون که افراد با عزت نفس پائین اغلب در تعاملات اجتماعی خجالتی و نسبت به طرد شدن آسیب پذیرند اکثر متخصصین بالینی عزت نفس مثبت را از اعمال اساسی در سازگاری اجتماعی - عاطفی فرد می دانند و معتقدند که احساس بی ارزشی عمیق ریشه بسیاری از نابهنجاری های روانی است که در بین افراد انسان دیده می شود (شاملو، ۱۳۶۹).

اهمیت پژوهش

یکی از ارزشمندترین راه های استفاده از خلاقیت بکار بردن آن برای بهبود روابط است؛ زیرا انسانها در سطوحی بشمار و گوناگون در برابر پذیرش امواج طیف یکدیگر، به ویژه نسبت به انگاره ها و قالبهای فکری که درباره یکدیگر در سر دارند حساس و پذیرا هستند. در واقع همین اندیشه ها و گرایشهای نهفته است که رفتار موفق یا ناموفق ما را می سازد. در رابطه عزت نفس با خلاقیت نیز مانند هر چیز دیگر، دقیقاً همان چیزی را به دست می آوریم که به آن اعتقاد داریم و باور ماست، مگر اینکه از ژرف ترین سطح وجودمان رابطه ای درست و دلخواه را بطلبیم. (گواین، ترجمه خوشدل، ۱۳۸۱).

مردمانی که با آنها در رابطه ایم همواره چون آینه بازتاب اعتقادات خود ما هستند و ما نیز چون آینه بازتاب باورهای آنها هستیم پس می توان روابط را از قدرتمندترین ابزار رشد و کمال خود دانست.

اگر صادقانه به روابط خود بنگریم می توانیم دریابیم که چگونه روابطی آفریده ایم. برای استفاده از رابطه ی عزت نفس با خلاقیت به منظور حفظ و بهبود سلامت و تناسب اندام و زیبایی جسمانی راههای بسیاری وجود دارد و تندرستی و جاذبه ما مانند هر چیز دیگر زائیده ی گرایشهای ذهنی ماست پس عوض کردن باروها و تغییر اعتقادات یا شیوه همنوایی که با خویشتن و جهان داریم می تواند اثرات جسمانی ژرف و شگرف پدید آورد (گواین، ترجمه خوشدل، ۱۳۸۱).

روش پژوهش

روش این پژوهش، کتابخانه ای می باشد. روش های کتابخانه ای Library research شامل فرایندی منظم و گام به گام است که برای گردآوری اطلاعات جهت نگارش یک مقاله یا ارائه یک سمینار مورد استفاده قرار می گیرد. در طول فرایند یک مطالعه کتابخانه ای همواره لازم است که پژوهشگر به عق برگردد و اطلاعات قبلی را دستکاری، تعدیل و بازنویسی نماید. در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می گیرد، ولی در بعضی از آنها در بخشی از فرآیند تحقیق

از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. روش تحقیق کتابخانه‌ای مهم‌ترین ابزار در نگارش یک مقاله مروری است و در مقاله علمی-پژوهشی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحقیقات کیفی مانند فرامطالعه شامل روش فراترکیب و روش فراتحلیل از این روش استفاده زیادی می‌شود.

تعریف عزت نفس:

عزت نفس از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران روانشناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است در تبیین اهمیت عزت نفس برخی صاحب‌نظران از آن به عنوان نکته‌ای کلیدی که می‌تواند جوانب مختلف زندگی افراد را تحت تاثیر قرار دهد یاد می‌کنند. اهمیت این مطلب همواره از سوی افرادی که با کودکان کار می‌کنند تأیید شده است، به سختی می‌توان از نزدیک با کودکان در تماس بود و درعین حال به مهمترین احساسات آنها در مورد خودشان به عنوان یک فرد توجه نکرد (پوپ، مک‌هیل، کریهد ترجمه تجلی، ۱۳۷۴). انسان هنگام تفکر در مورد احترام به خود کودکان براحتی سردرگم می‌شود. به دلیل اینکه دو واژه احترام به خود و خودپنداره^۱ اغلب به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند و زمان مورد استفاده در این زمینه را مبهم می‌سازد (همان منبع).

عزت نفس را باید از خود پنداره متمایز ساخت منظور از خودپنداره مجموعه صفات، تواناییها، نگرشها و ارزشهایی است که فرد باور دارد او را توصیف می‌کند (برک ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۳).

به عبارت دیگر خودپنداره مجموعه‌ای از مفاهیمی است که فرد برای توصیف خویش از آن استفاده می‌کند. کودک می‌تواند خود را به عنوان بازیگر خوب بیسبال، دوست جو، علاقمند به داستانهای علمی دانش آموزی متوسط در نظر بگیرد که این مورد از جمله اجزاء خودپنداره وی به شمار می‌رود (پوپ، مک‌هیل، کریهد ترجمه تجلی، ۱۳۷۴).

در واقع عزت نفس جنبه‌ای از خودپنداره است که در اوایل کودکی نمایان می‌شود (برک / سیدمحمدی، ۱۳۸۳)؛ و از احساسات کودک در مورد ابعاد وجودش ناشی می‌شود (پوپ، مک‌هیل، کریهد ترجمه تجلی، ۱۳۷۴).

عزت نفس نتیجه نهایی کارکرد سازکارانه و ثمربخش خود است عزت نفس درست مثل خوشحالی است به اینصورت که وقتی سعی می‌کنید خوشحال باشید افراطی عمل نمی‌کنید بلکه خوشحالی پیامد جانبی خوشنودیها، پیروزیها و روابط مثبت زندگی است به همین نحو عزت نفس پیامد جانبی رسیدن به آرزوها و آمال شخصی و تبعیت از هنجارهایی است که فرهنگ آنها را تعیین کرده است (ریو، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۲).

تعریف ماسن و همکاران از عزت نفس (ترجمه یاسایی، ۱۳۷۲) چنین است:

همچنانکه کودکان از خود درکی پیدا می‌کنند و هویت خود را در می‌یابند تدریجاً برای خصوصیات خود ارزش مثبت یا منفی قائل می‌شوند. مجموعه این ارزیابیهایی که کودک از خود می‌کند عزت نفس او را تشکیل می‌دهد.

¹ - Self- concept.

بالبی، ۱۹۷۳، عزت نفس را قسمتی از شخصیت می داند و اهمیت کسب امنیت در دوران کودکی را نیز به عنوان اصلی کلی و پایه ای برای درونی کردن اعتماد به خود متذکر می شود (ترجمه بیابانگرد، ۱۳۷۴).

براندن که از پیشکسوتان نظریه عزت نفس می باشد معتقد است که سلامت روان انسان منوط به عزت نفس اوست و بیماریهای روانی از کمبود حس احترام به خود ناشی می شود (سپینکتون ترجمه شاهی برواتی، ۱۳۷۹).

به اعتقاد براندن عزت نفس دارای دو جنبه وابسته به یکدیگر است یک حس سودمندی و یا اعتماد به نفس و دیگری حس ارزشمندی فرد و در مجموع حس عزت نفس و حس اعتماد به نفس است که دلالت بر لیاقت شخص برای زیستن دارد (میلانی فرد، ۱۳۷۴).

شیوه پرورش عزت نفس

به نظر می رسد که کیفیت روابط در کودکی اهمیت اساسی داشته باشد زیرا در این زمان است که بذریه عزت نفس کاشته می شود (همان منبع).

کودکی که احساس می کند عضو با ارزشی از خانواده خود است وظیفه خود را به نحو احسن انجام می دهد و به لحاظ محبت و احترامی که از والدین، خواهران و برادرانش دریافت می کند، احساس افت کرده و عزت نفس مثبتی در این زمینه پیدا می کند (پوپ، مک هیل، کریهد، ترجمه تجلی، ۱۳۷۴).

تصور می شود که مادر (یا جانشین مادر) از این لحاظ نقش محوری ایفا کند. اگر رابطه مادر - فرزند سالم باشد (یعنی کودک احساس کند مادرش قادر است به احساسات و نیازهای او به سرعت و بطور موثر واکنش نشان دهد و آنها را درک کند)، کودک خواهد توانست در مورد خود و توانایی برقراری روابط شخصی صمیمی در بزرگسالی احساس مثبت داشته باشد. عقیده بر اینست که عکس این موضوع نیز در صورت ضعیف بودن رابطه مادر - فرزند می تواند صادق باشد. شکست در ایجاد دلبستگی عاطفی به مادر می تواند به اضطراب دایمی ناشی از بی توجهی یا طرد منجر شود. (شیهان، ترجمه گنجی، ۱۳۸۳)

پیام هایی که کودکان به مرور و با گذشت زمان از افراد مهم پیرامون خود در مورد خودشان دریافت می کنند برای عزت نفس آنها بسیار مهم است. کودکان معمولاً همه چیز را بدون چون و چرا به عنوان حقیقت قبول می کنند. (همان منبع)

از طرف دیگر کودکان هر چیز را بطور تحت القطی یا عینی درک می کنند سرانجام تصور می شود که عملکرد و ساختار خانواده نیز بر عزت نفس مهم است مطالعات نشان می دهد که فرزندان والدین طلاق گرفته و بی خانمانها می توانند بر اثر این وضعیت از عزت نفس ضعیفی برخوردار باشند. (همان منبع).

رویدادهای جاری زندگی:

عزت نفس یک فرد هر چقدر هم محکم و قوی باشد زندگی همواره موقعیتهایی پیش می آورد که ارزش گذاری مثبت فرد برای خودش را به خطر می اندازد. تحقیر شدن یا مورد توهین قرار گرفتن از طرف دیگران، رد شدن درخواست کار یا پذیرفته شدن در دانشگاه، بیماری یا اخراج شدن از کار (به علت آنکه کارفرما می خواهد هزینه شرکت را پائین بیاورد

یا علت‌های دیگر) همه می‌توانند، برنگرش مثبتی که فرد از خود دارد آثار مخربی برجای بگذارند (شیهان، ترجمه کنجی، ۱۳۸۳).

خلاقیت:

خلاقیت یکی از مفاهیم پیچیده مربوط به انسان است. این واژه اغلب مترادف با اصطلاحاتی از قبیل اکتشاف، اختراع، حل مساله، ابداع، نوآوری و... است. از اینرو به منظور دستیابی به معیارهایی جهت شناسایی رفتار خلاق از غیرخلاق تحقیقات متعددی انجام گرفته است و نتایج آن منجر به ارائه تعاریف متعدد و گسترده‌ای از خلاقیت شده است که میان آنها تفاوت‌های بسیاری مشاهده می‌شود این گستردگی ریشه در مکاتب و دیدگاه‌های روانشناختی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی دارد.

برونوسکی از جمله کسانی است که میان خلاقیت، اختراع، اکتشاف تفاوت قائل می‌شود و از نظر او کلمه کشف برای پی بردن به واقعیت، اختراع برای وضع نظریه علمی و خلق برای ایجاد شاهکارهای ادبی و هنری بکار برده می‌شود. حل مساله واژه دیگری است که گاه مترادف با خلاقیت به حساب می‌آید و حتی گروهی خلاقیت و حل مساله را فرآیندهای مشابهی می‌دانند همچون رابرت ام کاینه (۱۹۷۷-۱۹۸۴) که بالاترین سطح یادگیری را حل مساله می‌داند و خلاقیت را نوع ویژه‌ای از حل مساله قلمداد می‌کند (سیف، ۱۳۸۰).

در فرهنگ جامع و روانشناسی خلاقیت را توانایی آفرینش چیزی تازه و بدیع تعریف می‌کنند (پورافکاری، ۱۳۷۶). در واژه نامه جامع روانپزشکی و روانشناسی خلاقیت را توانایی ایجاد چیزی جدید می‌کنند (دهکانپور و همکاران) و در لغت نامه روانشناسی در مورد تعریف خلاقیت بیان می‌کند: کنش اختراعی بر مبنای تخیل خلاق که از هوش مجزاست. تعریف دوم: استعداد آفرینش اشکال جدید در زمینه هنر یا مکانیک یا حل مسائل از راه روشهای جدید تعریف می‌شود (منصور و همکاران، ۱۳۷۰).

در فرهنگ علوم رفتاری خلاقیت را استعداد و توانایی پیدا کردن راه حل تازه برای حل یک مشکل یا سبک و روشهای نو برای متغیرهای هنری تعریف می‌کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۵).

کیلفورد (۱۹۶۷) خلاقیت را با توجه به ویژگیهای فرد خلاق اینگونه تعریف می‌کند: الگو یا مدل ساخت ذهنی از سه بعد اصلی بنام های بعد عملیات، بعد محتوا، بعد فرآورده تشکیل می‌شود که بر روی هم ۱۸۰ ترکیب را به وجود می‌آورد از نظر وی خلاقیت همان اندیشیدن واگراست (سیف، ۱۳۷۹).

آلبرت بندورا در تعریف خلاقیت می‌گوید: نوآوری حاصل از ترکیب کردن تاثیرات چند الگو یا حاصل از مشاهده یک الگوی واحد که استراتژیهای غیرمعمولی را برای حل مساله بکار می‌گیرد (همان منبع، ص ۶۲۹).

پرکینز درباره خلاقیت می‌گوید: تفکر خلاق است تفکری است که طوری طراحی شده که تمایل به منجر شدن به نتایج خلاق دارد که یادآوری می‌کند که ملاک خلاقیت بازده است در واقع وقتی فردی را خلاق می‌نامیم که همواره نتایج خلاق بدست آورد یعنی از طریق ملاک های قلمرو سوال به نتایج بدیع و به عبارتی درست دست یابیم (احقر، ۱۳۸۰).

جورج اف نلر در تعریف خلاقیت می گوید: در خلاقیت فرآیند تغییر یا توسعه و تکامل در سازمان بندی حیات ذهنی است (مسدود، ۱۳۸۰). با توجه به تعاریف متعدد از خلاقیت عمده ای از صاحب نظران به دسته بندی آنان پرداختند.

(۱) تعاریف مبتنی بر دیدگاه شخص خلاق

(۲) تعاریف مبتنی بر فرآیندهای ذهنی

(۳) تعاریف خلاقیت بر حسب نتایج حاصل از آن

(۴) تعاریف مبتنی بر تاثیرات محیطی و فرهنگی (مسدود، ۱۳۸۰)

مدینک از جمله نظریه پردازانی است که خلاقیت را براساس فرآیند آن تعریف می کند:

خلاقیت یعنی شکل دادن به عناصر به صورتی مفید و جدید، در حالیکه گزین بر محصول خلاقیت تاکید دارد و آنرا ارائه کیفیتهای تازه از مفاهیم و معانی در نظر می گیرد.

مک کینون، رانشناس دانشگاه برکلی از گزارش پژوهشی خود نتیجه می گیرد که آفرینندگی:

۱- اندیشه یا پاسخ نوی است که از نظر آماری نامعمول است.

۲- پاسخ مناسب و شایسته ایست که مساله را حل می کند با موقعیتی سازگاری دارد و به حصول هدف یاری می دهد.

۳- موجب پیش واقع و کارساز در حد اعلای خود می شود (پارسا، ۱۳۸۳).

آفرینندگی را نباید موضع اختصاصی بعضی اشخاص یا مشاغل محدود دانست بلکه در بسیاری از افراد به صورتهای گوناگون دیده می شود.

به عقیده مک کینون^۱ کار مهم روانشناس و پرورشکاران به هر طریق ممکن عبارت از کشف استعدادهای ذاتی شاگردان و ایجاد آنگونه جو اجتماعی و معنوی است که تجلی آنها را آرمان می سازد (همان منبع).

این تعریف شامل دو قسمت است: اول راه حلی که مساله را حل کند فدام تازگی راه حل برای کسی که مسئله را حل می کند.

اما سوال اینست که آیا حتماً باید مساله ای وجود داشته باشد تا خلاقیت شکل گیرد؟ آیا وقتی برای اولین بار کودکی ترکیب زیبای تازه ای از دو کلمه می سازد یا زمانیکه شاعری شعری می سراید یا نویسنده ای داستانی را می نویسد خلاقیت اتفاق نیفتاده است؟

بر مبنای این ذهنیت خلاقیت را اینگونه تعریف می کنند

«خلاقیت فرآیندی است که نتیجه آن یک کار تازه باشد و از سوی عده ای در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایتبخش مقبول واقع شود» (استین، ۱۹۷۴).

اگر عرصه های متفاوت زندگی را در نظر بگیریم و بپذیریم که در هریک از این عرصه ها می تواند خلاقیت وجود داشته باشد در اینصورت می توان خلاقیت را به گونه ای کاملتر نیز تعریف کرد:

¹ - Mackinnan, D.W

خلاقیت توانائی شخص در ایجاد ایده ها، نظریه ها، بینش ها یا اشیای جدید و نووبازسازی مجدد درعلوم و سایر زمینه هاست که از نظر متخصصان به عنوان پدیده های ابتکاری قلمداد شده، از لحاظ زیباشناسی، فن آوری و اجتماعی با ارزش است (ورنون، ۱۹۸۹).

محور اصلی این تعریف تازگی و ارزش است البته سوالی که در اینجا مطرح می شود اینست که تازگی برای چه کسی؟ منظور از تازگی چیست؟ آیا تازگی به معنی مطلق آن مد نظر است؟ یعنی کار جدیدی که قبلاً نبوده است یا منظور از تازگی جدید بودن برای افراد است؟ یعنی امری که بارها انجام شده است اما برای فرد خاص تازگی دارد. اگر تازگی منحصر به کارهای بدیعی باشد که قبلاً به وجود نیامده است یعنی خلاقیت اختصاصی می گردد اما اگر شق دوم پذیرفته شود خلاقیت مفهومی عام دارد که از معمولی ترین افراد تا دانشمندان، هنرمندان، متفکران را در بر می گیرد. به این طریق به این نتیجه می رسیم که خلاقیت خصوصیتی نیست که در انحصار عده ای خاص باشد و وقتی صحبت از آن می شود تنها مبتکران و مخترعان بزرگ را انسان های خلاق بدانیم و یا اینکه خلاقیت را جزء خصیصه های شخصی افراد بدانیم که عده ای از آن برخوردارند و عده ای فاقد آن هستند تمامی افراد به درجاتی در زمینه های مختلف دارای قدرت خلاقه هستند و اگر زمینه های لازم برای شکوفایی و رشد آن فراهم شود می توانند آنرا ظاهر سازند.

تحول خلاقیت در طول زندگی

خلاقیت چیزی بیش از یک خصوصیت شناختی یا شخصیتی است که افراد ممکن است در آن تغییر کنند بلکه فعالیتی است که در طول حیات انسان توسعه و تکامل پیدا می کند. پژوهشگران روانشناسی تحولی خلاقیت به دو جنبه این تبدیل طولی توجه کرده اند.

اولاً محققان به این بررسی پرداخته اند که کدام تجارب کودکی و نوجوای با توسعه توانایی خلاقیت ارتباط دارند ثانیاً پژوهشگران این نکته را مورد مدافعه قرار داده اند که چگونه این توانایی در خلال دوران بزرگسالی و سالهای پایانی شکوفا می گردد. بسیاری از مطالعات در هریک از این دو مقوله بر رشد افرادی تمرکز کرده اند که بر پیشرفتهای خلاق خود تمجید و تحسین شده اند گرچه تحقیقات در زمینه بروز انواع رفتار خلاق روزمره نیز کمبودی ندارد. (سیمونتون، ترجمه شکرکن، ۱۳۷۷).

اکتساب توانایی خلاق: در اثنای چندین دهه پژوهش در گذشته فهرست بلند بالایی از سوابق تحولی خلاقیت به صورتی مستند فراهم شده است شمار بسیاری از این نفودها به محیطها و شرایطی مربوطند که بیشترین مناسبت را برای پیدایش شخصیتهای خلاق دارند این عوامل مشتمل اند بر ترتیب تولد، از دست دادن والدین در سنین پائین، حاشیه ای بودن و در دسترس بودن سرپرستان و الگوهای نقش، متغیرهای تحولی دیگر به تجربه و عملکرد و در دوره های تحصیلات، متوسطه، عالی اشاره دارند. شاید برجسته ترین تعمیمی که باید به عمل آورد اینست که خلاقیت همیشه در محیط های کاملاً پرورشی پدید نمی آید برعکس خلاقیت بالقوه ظاهراً مستلزم اینست که فرد در معرض:

الف) تجارب متنوعی که به تضعیف قیود تحمیلی اجتماعی شدن متعارف یاری می رساند.

ب) تجارب چالش انگیزی که به رغم موانع در تقویت قابلیت شخص برای پایداری کمک می کنند قرار گیرد (سیمونتون، ترجمه شکر کن، ۱۳۷۷).

این رونادادهای تحولی ممکن است مخصوصاً برای اشکال هنری رفتار خلاق حائز اهمیت باشند به هر حال این امر بطور حیرت انگیزی بر قدرت سازگاری آدمی گواهی می دهد، بدین معنا که برخی از زیان آورترین کودکیها می توانند خلاق ترین بزرگ سالیها را به بار آورند یک جنبش عمده دیگر در نوشته های اخیر نیز شایان ذکر است در سال ۱۸۷۹ کالتون نخستین بار این فکر را مطرح کرد که خلاقیت استثنایی ممکن است بنیاد ژنتیکی داشته باشد. با ظهور علم جدید ژنتیک رفتاری این امکان توجه بیشتری را به خود جلب کرده است با اینکه هنوز زود است که گفته شود دقیقاً چقدر از تغییرپذیری فرد در خلاقیت وجود خود را مرهون استعداد ژنتیکی می داند. تردیدی نیست که برخی از صفات عقلانی و شخصیتی لازم برای خلاقیت ضرائب موروثی بودن قابل ملاحظه ای را نشان می دهند. این نکته به نحو فرآینده ای آشکار می گردد که کسب توانایی خلاق مستلزم مساعدت همزمان طبیعت و تربیت است (سیمونتون ترجمه شکر کن، ۱۳۷۷).

اجزای تشکیل دهنده خلاقیت

آمابلی (۱۹۸۳) سه عنصر برای خلاقیت معرفی نموده است که شامل قلمرو مهارت، مهارتهای کاری وانگیزه می باشد؛ تورنس (۱۹۷۹) نیز به مربی اشاره کرده است که برای درک پیش بینی و پرورش رفتار خلاق مفید است مدل تورنس نیز شامل سه عنصر تواناییها، انگیزه و مهارتهاست.

- قلمرو مهارت: به منزله مواد اولیه استعداد، آموزش و تجربه در یک حوزه خاص است قلمرو مهارتها تا حدودی ذاتی است اما آموزش و تجربه می تواند آنرا پیشرفت دهد. هیچکس قادر به کاری خلاق نخواهد بود مگر دانش لازم در آن زمینه را فرا بگیرد. مفهوم استعداد تا حدی اغوا کننده است در برخی از کودکان بوضوح استعداد در زمینه ای خاص مشاهده می شود در عین حال اکثر افراد در برخی تا حدی استعداد دارند که این استعداد همراه با آموزش درست و تجربه مناسب می تواند تمام مهارتهای لازم را برای خلاق بودن با آنها بدهد. ویلیام می گوید خلاقیت مهارتی است که اطلاعاتی پراکنده را به هم پیوند می دهد عواملی جدید اطلاعاتی را به شکلهای تازه ای ترکیب می کند و تجربه های گذشته را با اطلاعات جدید برای ایجاد جواب های منحصر به فرد و غیرعادی پیوند می دهد (بودو، ترجمه خانزاده، ۱۳۵۸).

بنابراین تعریف ظهور محصول خلاق و درجه خلاقیت هر دو رابطه نزدیکی با حجم اطلاعات دارد هر چه فرد برای ترکیب و پیوند آگاهیهای موجود عدد با تجربیات گذشته اطلاعات بیشتر در اختیار داشته باشد خلاف تر خواهد بود (مرعشی، ۱۳۷۴).

از آنجا که قلمرو مهارت ها در ارتباط با آموزش و نحوه ارائه اطلاعات نیز می باشد باید گفت که ارائه اطلاعات نباید کاملاً منطبق با ساختار ذهنی فرد و یا کاملاً بیگانه با ساختار کنونی دانش افراد باشد بطور کلی هر اندازه محیط خانوادگی و تحلیلی کودک از نظر دانستنیها غنی تر باشد به همان اندازه بازده خلاقیت بیشتر خواهد بود و با توجه به طبیعت کودک میزان کارایی اطلاعات کسب شده از طریق وسایل سمعی و بصری در درجه اول از طریق بصری تنها در درجه دوم و از طریق سمعی در درجه سوم قرار دارد (نکویی، ۱۳۷۸).

- مهارت های کاری افراد خلاق: شامل برخی شیوه های کاری و فکری و ویژگی های شخصیتی در افراد است که آنها را قادر می سازد قلمرو مهارت های خود را در راه های جدید بکار گیرند. گرچه برخی از مهارت های فکری برای خلاق بودن ذاتی هستند اما جنبه های دیگر چون شیوه های کاری را می توان به وسیله آموزش و تجربه افزایش داده یک شیوه کاری خلاق که دارای خصوصیتی از این قبیل است:

نوع تعهد به خوب انجام دادن کاری، توانایی متمرکز نمودن تلاش و توجه برای مدت طولانی و توانایی رها کردن ایده های غیرخلاق و کنارگذاران موقتی مسائل پیچیده، پافشاری برای روبه روشن شدن با مشکل و اشتیاق برای سخت کوشی (آمابلی، ترجمه قاسم زاده، ۱۳۵۷).

بعضی از روش های تفکر خلاق عبارتند از: درهم شکستن مجموعه عادات، درک پیچیدگیها، بکاربردن تمهیدات برای فکر کردن به ایده های تازه، ترک عادت قدیمی،... (آمابلی، ترجمه قاسم زاده، ۱۳۵۷).

- **انگیزه درونی:** در شرایطی که پاداش های درونی و تنبیه برای عمل بسیار کم هستند مردم فعالیتهای ناشی از تمایل درونی را دنبال می کند (بندورا، ۱۹۸۲) که آنرا انگیزش درونی گویند.

- انگیزش درونی ریشه در نیازهای روانشناختی، چون علت کارایی و کنجکاوی دارای برخی فعالیتها به دلیل پیچیدگی، پیش بینی ناپذیری بصورت درونی برانگیزه می شوند بعلاوه افرادی که خود در شایسته، خودمختار و کنجکاو می بینند به سبب این ادراک خوشتن بیشتر درگیر فعالیتهای با انگیزه درونی می شوند کیلفورد می گوید که در ترغیب و افزایش خلاقیت و به خصوص خلاقیت نوجوانان فراموش شده است که کنجکاوی و علاقه عشق باعث افزایش خلاقیت و توانایی در شخص است (نکویی، ۱۳۷۸).

نتیجه

خلاقیت فرآیندی است که نتیجه آن یک کار تازه باشد و از سوی عده ای در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایتبخش مقبول واقع شود. اگر عرصه های متفاوت زندگی را در نظر بگیریم و بپذیریم که در هریک از این عرصه ها می تواند خلاقیت وجود داشته باشد در اینصورت می توان خلاقیت را به گونه ای کاملتر نیز تعریف کرد: خلاقیت توانائی شخص در ایجاد ایده ها، نظریه ها، بینش ها یا اشیای جدید و نووبازسازی مجدد درعلوم و سایر زمینه هاست که از نظر متخصصان به عنوان پدیده های ابتکاری قلمداد شده، از لحاظ زیباشناسی، فن آوری و اجتماعی با ارزش است. خلاقیت چیزی بیش از یک خصوصیت شناختی یا شخصیتی است که افراد ممکن است در آن تغییر کنند بلکه فعالیتی

است که در طول حیات انسان توسعه و تکامل پیدا می کند. پژوهشگران روانشناسی تحولی خلاقیت به دو جنبه این تبدیل طولی توجه کرده اند. فعالیت های فرهنگی و هنری به مجموعه ای از فعالیت ها گفته می شود که توسط معاونین و مربیان پرورشی و هنری در مدارس و طبق بخشنامه های ارسالی از سوی اداره آموزش و پرورش و نهادهای ذیربط به ایشان ابلاغ می گردد. این فعالیت های دارای مدت زمان محدود و ارزش و اهمیت بالایی می باشد.

منابع:

- اقبال قاسمی پویا (۱۳۸۲) راهنمای معلمان پژوهنده. تهران پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- وجه الله سیف الهی (۱۳۸۱)، راهنمای اقدام پژوهی در آموزش و پرورش. رشت: انتشارات گیلان.
- اقبال قاسمی پویا (۱۳۸۲) راهنمای معلمان پژوهنده: معلم پژوهنده کیست؟ اقدام پژوهی چیست؟، تهران: انتشارات لوح زرین چاپ اول ۱۳۸۲؛ چاپ دوم نشر اشاره ۱۳۸۲.
- آمابلی، ترزا (۱۳۵۷)؛ شکوفایی خلاقیت کودکان؛ ترجمه قاسم زاده (۱۳۷۲)، تهران: دنیای نو.
- براندن، نایاتیل؛ روانشناسی حرمت نفس، ترجمه هاشمی، ۱۳۷۶، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- بودو، آلن؛ خلاقیت در آزمایشگاه، ترجمه علمی خانزاده، ۱۳۵۸، تهران: چهر.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳)؛ روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- پوپ، آلیس و مک هیل، سوزان و کریهد، ادوارد؛ (۱۳۷۴) افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان، ترجمه پریسا تجلی، ۱۳۷۴، تهران: رشد.
- پژوهشکده کاربردی تعلیم و تربیت استان آذربایجان شرقی (۱۳۸۳)، معلم و اقدام پژوهی. مجموعه طرح های برگزیده معلمان پژوهنده سال ۸۲. جلد اول. به کوشش یوسف نجفی و سهراب یزدانی و محمدرضا پور صالحی.
- حسینی، افضل السادات، (۱۳۸۰)؛ ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حقگو، نسرين، (۱۳۸۴)، گزیده های از آثار معلمان پژوهنده، تک نگاشت ۴۵، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، دبیرخانه معلم پژوهنده.
- دادستان، پریخ (۱۳۷۶)، ارزشیابی شخصیت کودکان، تهران، رشد.
- دوریس جی (۱۳۷۸)؛ آموزش رفتار خلاق و استعداد های درخشان در دانش آموزان، ترجمه مجتبی جوادیان، آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان؛ مترجم یحیی سید محمدی، ۱۳۸۲، تهران: نشر
- سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی (۱۳۸۱). مجموعه مقالات همایش معلمان پژوهنده. تبریز: مرکز تربیت معلم شهید باهنر و سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.

- ساپینگتون، اندرو (۱۳۷۹) بهداشت روانی، ترجمه شاهی برواتی، تهران، روان.
- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۱)، روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، آگاه.
- سیمونتون، دین کیف (۱۳۷۷)؛ خلاقیت، جنبه های شناختی، شخصیتی، تحولی و اجتماعی؛ ترجمه دکتر حسین شکرکن، مجله تربیتی و روانشناسی دانشگاه چمران اهواز.
- شاملو، سعید (۱۳۶۹)، بهداشت روانی، تهران، رشد.
- کالاکر، جیمز (۱۳۸۱)؛ آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه مهدیزاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کلمر، هرپس، کلارک، امینه، رینولوبین (۱۳۷۵)؛ روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه پروین علیپور، آستان قدس رضوی.
- گواين، شاکتی (۱۳۸۱)؛ تجسم خلاق، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، روشنگران.
- ماسن، هنری، پاول، کیکان، جروم، کارول هوستون، آلتامین وی کالنجر، جان، (۱۳۷۹)؛ رشد شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، مرکز.
- میلانی فر، بهروز (۱۳۷۴)؛ بهداشت روانی، چاپ چهارم، تهران، قوس.
- میرکمالی، محمد (۱۳۷۸) روابط انسانی در آموزشگاه؛ تهران: نشر یسپرون، روش های مشارکت.
- نکویی، بیوک (۱۳۷۸)؛ رابطه خلاقیت، باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری خود نظم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان.

Self-esteem and creativity among Iranian male and female students in the coronavirus era

Somayeh Fallah Tafti¹

Iman Rait Shavazi²

Ghasem Dashtabadi³

Maryam Rezaei Sadrabadi⁴

Date of Receipt: 2022/03/15 Date of Issue: 2022/04/26

Abstract

The subject of research is self-esteem and creativity among Iranian male and female students in the coronavirus era. The attractiveness of cultural and artistic activities in schools and the creation of an intimate atmosphere resulting from it is the responsibility of the management and the collection of school staff. The cultural cycle, in contrast to other activities, can irrigate the strong roots of the tree of science and knowledge. The research method is a library review. Conclusion: Creativity is more than a cognitive trait or personality in which individuals may change, but an activity that develops and evolves throughout human life. Many aspects of each of these two categories have focused on the growth of individuals who have been praised for their creative progress, although research into the occurrence of a variety of creative everyday behaviors is not lacking.

Keywords

Self-esteem, creativity, schools, students

1 PhD in Curriculum Planning, Primary Education Teacher in Yazd District 1, Lecturer at Yazd Farhangian. University Sfalah12@ymail.com

2 Bachelor of Educational Sciences, Primary Education Teacher, Yazd District 1. iman.74ra@gmail.com

3 Master of Counseling, Vice Chancellor for Primary Education of District One of Yazd, Educational and Medical Advisor of Farhangian Yazd. dashtq@gmail.com

4 Bachelor of Theological Sciences, Primary School Teacher, District 1, Yazd. Maryam.r13582s@gmail.com